

## بررسی عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان در شام تا قرن هفتم

حسین مرادی نسب\*

هادی شمس آبادی\*\*

### چکیده

تشیع در سرزمین شام به عنوان مکتبی تأثیرگذار، از سده های آغازین اسلام تا کنون، با وجود سختیهایی که از سوی مخالفان خود در منطقه شام روبه رو بوده، هویت شیعی خود را حفظ کرده است. از آنجا که مکتب تشیع در شام به عنوان بخشی از میراث تاریخی شیعه است که حوادث مهمی از تاریخ را به چشم دیده، شناخت چگونگی حفظ هویت تشیع در سرزمینی که همواره با دشمنی با مکتب تشیع شهره بوده، بدون رویکرد تاریخ اجتماعی دست نیافتنی است. این مقاله درصدد بررسی عوامل و مؤلفه های مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان در منطقه شام است. برای دستیابی به این منظور، با رویکردی توصیفی تحلیلی و مطالعه منابع تاریخی و کهن، عوامل و مؤلفه های مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان شام تا قرن هفتم واکاوی شد. نتیجه آنکه وجود حاکمان شیعی در برهه هایی از تاریخ و حضور خاندانهای شیعی و مهاجرت برخی از بزرگان و عالمان شیعه و اقامت در شام را می توان از عوامل مؤثر و برگزاری آیینها و مراسم های شیعی، توجه به اماکن مقدسه و نوع موقوفات و نذورات و وجود نمادهای شیعی از مؤلفه های مؤثر در ماندگاری هویت تشیع در شامه شمار می آیند.

واژگان کلیدی: تاریخ اجتماعی، عوامل تاریخ اجتماعی، مؤلفه های تاریخ اجتماعی، شام، تشیع.

## مقدمه

تاریخ اجتماعی شاخه‌ای نو در مطالعات تاریخ به شمار می‌آید. رویکرد تاریخ اجتماعی در جهان اسلام و ایران کمتر مورد توجه بوده، چنان‌که راوندی در این خصوص می‌نویسد: «به حکایت کتب و آثار تاریخی تا پیش از پیدایش تمدن جدید و رشد افکار دموکراتیک اکثریت قریب به اتفاق مورخان ایرانی و خارجی به اوضاع اجتماعی و اقتصادی توده مردم توجهی نداشتند» (راوندی، ۱۳۷۱ ش، مقدمه، ص ۵). نویسندگان در تعریف تاریخ اجتماعی رویکردهای مختلفی پیموده‌اند. برخی با رویکردی سلبی، تاریخی اجتماعی را تاریخ‌نگاری بدون وجه سیاسی، تعریف کرده (کارتلدج، ۲۰۰۲، ص ۲۰) و برخی با رویکرد اصالت‌بخشی به زندگی مردم، تاریخ اجتماعی را تبیین تاریخ معمولی مردم<sup>۲</sup> در زندگی و ساختارهای اجتماعی دانسته‌اند (جانسون، ۲۰۱۱<sup>۳</sup>) یا آن را به دگرگونی‌ها و تداوم‌ها در تجربیات مردم معمولی توصیف کرده‌اند (کارتلدج، ۲۰۰۲، ص ۲۲). برخی با رویکرد اصالت‌بخشی به جامعه و نهادهای اجتماعی، آن را به «بررسی شبکه تغییر یابنده روابط اجتماعی، تکامل نهادهای اجتماعی و دگرگونی‌های وارد شده در ارزش‌ها و مفهوم اجتماعی» تعریف کرده‌اند (گولد و کولب، ۱۳۹۲<sup>۴</sup>، ص ۲۰۱).

بررسی تمام تعاریف و سیر تحول مطالعات تاریخ اجتماعی بحثی مفصل و خارج از موضوع این نوشته است. از این رو نگارندگان تعریف الویری در تاریخ اجتماعی شیعیان را که تعریفی جامع و مرتبط با موضوع مقاله است برمی‌گزینند: «گونه‌ای از تاریخ‌نگاری که بستر اجتماعی رویدادهای تاریخی را به صورت مستقل (به‌مثابه یک رویداد) و یا در پیوند با رویدادهای دیگر به صورت روشمند معطوف به کشف یا کاربست یک سلسله قواعد عمومی مورد بررسی قرار می‌دهد» (الویری، ۱۳۹۸، ص ۲۰).

با توجه به تعریف تاریخ اجتماعی، چپستی تاریخ اجتماعی شیعیان شام روشن می‌شود. نوعی از مطالعات تاریخی که بستر اجتماعی رویدادهای تاریخی شیعیان شام را به صورت مستقل و یا در پیوند با رویدادهای دیگر به صورت روشمند معطوف به کشف یا کاربست یک سلسله قواعد عمومی مورد بررسی قرار می‌دهد.

تاریخ اجتماعی با بررسی لایه‌های پنهان جوامع گذشته، با توجه به گرایش‌های فکری، اخلاقی، آداب و رسوم، باورها، آیین‌ها و نمادهای زندگی مردم عادی سعی در به دست آوردن یافته‌های جدید دارد. هرچند نگارندگان منابع تاریخی کمتر به مسائل تاریخ اجتماعی توجه داشته‌اد؛ اما با جستجو

1. Cartledge
2. ordinary people
3. Johnson
4. Gould & Kolb

در لابه‌لای گزارشات می‌توان به گزاره‌هایی دست یافت که تاریخ اجتماعی مردم آن دوران را بازگو می‌کند. تاریخ اجتماعی شیعیان در شام برای بررسی گسترش و ماندگاری شیعیان در آن منطقه از حلقه‌های گم شده تاریخ تشیع در شام است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه بخش عظیم و مهمی از حافظه تاریخی اسلام و شیعیان با تاریخ شام گره خورده است. پرسش اصلی این است که از نگاه تاریخ اجتماعی چه عوامل و مؤلفه‌هایی در گسترش تشیع در شام مؤثر بوده است؟ البته با توجه به حضور دامنه‌دار شیعیان در منطقه شام از قرون نخست اسلامی تا کنون و محدودیت این نوشتار، این تحقیق حضور شیعیان<sup>۱</sup> شام را تا قرن هفتم پی می‌جوید.

نتیجه آنکه بنابر رویکرد تاریخ اجتماعی عواملی چون حاکمیت، خاندان، مذهب، مهاجرت و مؤلفه‌هایی چون آیین‌ها، مراسم‌ها، اماکن مقدسه و نمادها شیعی در ماندگاری و گسترش تشیع در شام مؤثر بوده است.

درباره بررسی تاریخ اجتماعی شیعیان در شام کار مستقل یا مقاله‌ای نگاشته نشده است، گرچه در لابه‌لای متون کتاب‌های تاریخی به مواردی اشاره شده است از جمله می‌توان به کتاب حلب و تشیع از شیخ ابراهیم نصرالله، احیاء الحلب و اسواق‌ها از خیرالدین اسدی، و دولت حمدانیان تألیف فیصل سامر ترجمه ذکاو تیاشاره داشت. همچنین مقاله‌ای با عنوان «مزارت اهل بیت (علیهم‌السلام) در فلسطین و اردن» تألیف احمد خامه‌یار، مقاله «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی‌مرداس» از حسین بادکوبه و محبوب زمانی، «شاعری از بعلبک» از عقاد عباس محمود، «خصائص بعلبک قدیما فی الصناعه و الزراعه» در مجله مشرق و مقاله «نقش شیعیان در حیات علمی حلب در قرن چهارم و پنجم» استخراج از پایان‌نامه «نقش شیعیان در حیات علمی و فرهنگی حلب در قرن چهارم و پنجم» از تقی مهدوی، به بخشی از تاریخ اجتماعی شام پرداخته‌اند. تاریخ اجتماعی شیعیان؛ مفاهیم و کلیات از محسن الویری که به مفاهیم و کلیات تاریخ اجتماعی شیعیان پرداخته و کمتر به تطبیق و تبیین مصادق مبادرت کرده است، افزون بر اینکه به تاریخ اجتماعی شیعیان شام پرداخته است. همچنین مجموعه مقالات با عنوان «تاریخ اجتماعی شیعیان» از سوی محمدجواد یآوری سرتختی گردآوری شده است که با وجود مقالات ارزنده و مرتبط با تاریخ اجتماعی شیعیان؛ در خصوص تاریخ اجتماعی شیعیان شام بحثی را طرح نکرده است. امتیاز این پژوهش نسبت به آثار پیشین، بررسی و تبیین برخی از عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان در منطقه شام تا قرن هفتم است.

۱. شیعه در لغت به معنای پیرو است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸-۱۸۹). در اصطلاح عام به یاران و دوستان امام علی (علیه‌السلام) و فرزندان او اطلاق می‌شود و در اصطلاح خاص به کسانی که قائل به نص امامت علی (علیه‌السلام) و فرزندان ایشان اطلاق می‌شود. ما در اینجا شیعه به معنای عام را مد نظر داشته‌ایم که شامل فرقه‌هایی چون «زیدیه و اسماعیلیه» نیز می‌شود.

## ۱. عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر تاریخ اجتماعی

منظور از عوامل مؤثر در تاریخ اجتماعی، آشنایی با مجموعه عللی است که سبب تمایز تاریخ اجتماعی مردمان یک منطقه از مناطق دیگر می‌شود. در قرن بیستم مورخان اجتماعی بر سه عامل نژاد، طبقه و جنسیت تأکید داشتند (کنراد، کریستوفر،<sup>۱</sup> ترجمه، ۱۳۹۴، ص ۵۵). الویری عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی را به نژاد و قومیت، نظام باورها و ارزش‌ها (به‌ویژه دین و مذهب)، جغرافیا و وضعیت اقلیمی، رویدادهای طبیعی و غیرطبیعی، مهاجرت، اشاعه فرهنگی، جمعیت، فناوری، نوآوری، نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی، منحصر کرده است (ر.ک: الویری، ۱۳۹۸، ش، ص ۹۵-۱۴۴).

منظور از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده، توجه به ساختارها، تغییر و تحول‌ها اجتماعی، سبک زندگی، آداب و رسوم مردم یک جامعه است (کنراد، کریستوفر، ۱۳۹۴، ش، ص ۳۶-۳۷). چنان‌که الویری اجزای تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی را چنین پیشنهاد می‌دهد: خانواده، فضاها، شهری و روستایی، نظم اجتماعی، تحرکات و دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی، سبک زندگی، آورده‌های زبانی، نمادها، روابط اجتماعی، آداب و رسوم، حرفه‌ها، مشاغل، پایگاه‌های درآمدی، ادوات و دارایی، بهداشت و درمان (ر.ک: الویری، ۱۳۹۸، ش، ص ۱۴۶-۱۹۴).

البته بحث از تمام موارد پیش‌گفته، نه ضرورت دارد<sup>۲</sup> و نه این نوشتار مجال تبیین تک‌تک این مفاهیم را دارد و برای آشنایی بیشتر با این مفاهیم باید به کتاب‌های تاریخ اجتماعی مراجعه کرد. از این رو در نوشتار حاضر تنها به برخی از عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان ساکن در شام پرداخته می‌شود.

در بحث حاضر عواملی چون نظام سیاسی، خاندان، مذهب، مهاجرت سبب تمایز تاریخ اجتماعی شیعیان شام با سایر مردم مناطق است که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شود. همچنین مؤلفه‌هایی چون آیین‌ها، مراسم‌ها، نوع موقوفات، اماکن و نمادهای موجود در جامعه شیعی شام از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی شیعیان شام به حساب می‌آید. البته نگارنده ادعایی بر انحصار این عوامل و مؤلفه‌ها نداشته و به مقدار فحوص و احصایی که صورت گرفته، این موارد را ذکر می‌کند.

## ۲. عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان شام

### ۲-۱. حاکمیت

یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاریخ اجتماعی، نظام سیاسی و ساختار حاکمیت است. دولت متشکل از اشخاص و سازمان‌ها و زیرمجموعه‌های آن با اعمال قدرت و وظایف حاکمیتی را انجام می‌دهند

1. Christopher

۲. برای نمونه بحث از موقعیت جغرافیایی یا اقلیمی درباره تاریخ اجتماعی شیعیان سبب تمایز چندانی از جوامع غیر آنان نمی‌شود.

(الن بیرو،<sup>۱</sup> بی تا، ص ۱۵۳). نقش تأثیرگذار حاکمیت در تاریخ اجتماعی شام به خوبی قابل رؤیت است تا زمانی که حاکمیت در شام به دست سفیانیان و بنی امیه و بعد از آن عباسیان بود، شرایط اجتماعی شیعیان، سخت و دشوار بود. آنان از ابراز عقیده و تبلیغ باورهای خود منع، و از شکنجه، قتل و مصادره اموال در امان نبودند؛ اما با شکل گرفتن اولین ساختار قدرتمند سیاسی شیعی، به نام حمدانیان ورق به نفع شیعیان برگشت. هرچند حاکمان حمدانی در ابتدا از طرف دولت عباسی، مکتفی، به کار گرفته شدند. این ساختار قدرتمند سیاسی شیعی از ابوالهیجا عبدالله بن حمدان بر موصل از سال ۲۹۳ق (ابوفراس حمدانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۳۷، ۳۵۱ و ۳۵۲) و سیف الدوله در حلب ۳۳۳ق آغاز شد، (ابن عدیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۱۲) آنان با افزایش قدرت خود در این مناطق و جایگاهی که در میان مردم یافته بودند، توانستند به نحوی اعلام استقلال و دولت حمدانیان را تأسیس کنند. دولت عباسی نیز که به قدرت و جایگاه حمدانیان آگاه بود، با آنان تعامل می کرد، چراکه حمدانیان از طرفی در مقابل رومیان از مرزهای اسلامی دفاع می کردند و از طرفی با دشمن اصلی آنان، فاطمیان در جنگ بودند. از اینرو با قدرت گرفتن این دولت شیعی رشد تشیع در این مناطق آغاز شد و شیعیان توانستند افزون بر ابراز عقیده، به تبلیغ مذهب خود و برگزاری آیین های شیعی بپردازند.

از سویی دیگر بخت با حمدانیان یار بود و هم زمانی با دولت آل بویه و نفوذ آنان در مرکز خلافت عباسی موجبات و زمینه های افزایش قدرت حمدانیان را فراهم کرد. دولت آل بویه با وجود اختلافات سیاسی که با آل حمدان داشت؛ اما به خاطر تشیع با آنان تعامل می کرد. همین تعامل و ارتباطات موجب تثبیت نشر معارف دینی و عقاید امامیه و آداب و رسوم شیعیان در شام شد. حاکمیت حمدانیان بر بخشی از شام مانند حلب (حک: ۳۳۳-۳۹۴) و اطراف آن، و موصل (حک: ۲۹۳-۳۸۹) سبب گسترش تشیع و پایگاهی برای عالمان شیعه شد. بنابر نقل های تاریخی سیف الدوله حاکم مقتدر حمدانی در سال ۳۵۱ق برای تثبیت قدرت شیعیان در حلب به عنوان یکی از شهرهای مهم شام، شیعیان را به سکونت در حلب تشویق می کرد (سامر، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸) تا جمعیت آنان بر مخالفان مذهبیشان غلبه یابد. گاه حمدانیان بنا به مقتضیات سیاسی با دولت فاطمیان همراه بوده و به آنان پناه می بردند (ابن قلابی، ۲۰۰۷م، ص ۵۰) و این رویکرد تا پایان حاکمیت آنان برقرار بود.

فاطمیان در مصر، برای مدتی (حک: در شام در دوره اقتدار وازرت فاطمی ۴۵۰-۴۸۷) بر مناطق شمالی شام تسلط یافتند (ابوشامه مقدسی، ۱۹۹۱، ص ۲۱۶). «دزبری» سردار فاطمی شیعی در حلب

1. Birou, Alain

ساکن بود. وی در سال ۴۴۸ هجری در همان جا درگذشت و طبق وصیت او جنازه اش به بیت المقدس منتقل شد و در آنجا دفن شد (ابن عدیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۶؛ ابن جبیر، ۱۱۱۹، ص ۲۱۷).

با تضعیف دولت حمدانیان، بنی مرداس (حک: ۴۱۴-۴۷۱) در حلب حاکم شدند و آنان به تقویت حوزه علمیه و رشد و شکوفایی آن کمک کردند که دانشمندان بسیاری از آن سر بر آوردند (وائسی، ۱۳۸۴، ص ۴۷). احترام حاکمان مرداسی به عالمان شیعه سبب هجرت گروهی از آنان به این شهر شد، حتی به برخی از آنان مناصب عالی حکومتی مانند قضاوت داده شد (زکار، بی تا، ص ۲۱۶).

آل بنی عمار (حک: ۴۶۰-۵۰۲) شیعه مذهب (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۴۹ و ۸۳) در طرابلس و نواحی اطراف آن حاکم بودند و گاه نیز مستقل عمل می کردند؛ ولی در ظاهر تابع دولت فاطمیان در مصر بودند، به همین خاطر افرادی از این خاندان در مصر و شام مناصبی برعهده داشتند، از جمله آنان ابو محمد حسن بن عمار بود که حتی به او لقب امین الدوله دادند (رودرآوردی، ۱۳۳۴ق، ص ۲۲۲). وی چنان قدرت یافت که توانست والی دمشق را شکست دهد و اداره آنجا و شهرهای ساحلی شام از جمله طرابلس را به دست گیرد (انطاکی، ۱۹۹۰م، ص ۲۳۸-۲۴۰). وی با دولت سلجوقیان رابطه برقرار کرد تا بتواند استقلال خود را از فاطمیان اعلام کند. در عین حال با سیاست مدبرانه خود با هر دو دولت رابطه داشت. وی افزون بر حفظ مرزهای اسلامی در برابر رومیان و عمران و آبادانی، به فرهنگ نیز توجه ویژه ای داشت و به همین جهت دارالعلمی را تأسیس کرد و نسخه های بسیاری از کتاب ها را در آنجا گرد آورد (ابن فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷؛ عثمان هاشم، ۱۳۸۲، ص ۵۷ و ۷۹).

وجود حمدانیان در این منطقه سبب گسترش و نشر تشیع شد؛ زیرا آنان با حوزه علمیه شیعه عراق ارتباط برقرار کردند و شیخ طوسی، ابن براج فقیه امامی را به عنوان نماینده خود به طرابلس فرستاد و وی مدتی قضاوت آنجا را برعهده داشت (منتجب الدین، ۱۴۰۶ق، ص ۷۴). امیران بنی عمار بر گسترش و تقویت حیات فرهنگی اجتماعی شیعیان کمک کردند و در سایه آنان عالمان شیعه آثار گران سنگی را در زمینه فقهی (ابن حجر، لسان المیزان، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۶۷) و غیرفقهی تحریر کردند (ابن عدیم، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۱۲). تأسیس مراکز دارالعلم و مدارس گاه از سوی حاکمان و عالمان شیعه انجام می گرفت. به عنوان نمونه دارالعلمی از سوی حکومت آل عمار در طرابلس بنا گردید (کردعلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۳) ابن بطوطه در سفرنامه اش از ساخت مدارس در حلب یاد کرده که از سوی حمدانیان برای یادگیری دانش شیعیان بنا شده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷، ص ۱۰۸).

از این روی می توان گفت وجود دولت ها و امیران شیعه و حمایت از فقیهان به رشد و بسط تشیع

در سرزمین شام کمک کرد، حتی گاه عالمان شیعه با نگارش کتابی، آن را تقدیم حاکمان شیعه می‌کردند تا افزون بر حمایت از آنان، در تقویت مبانی امامیه آنها را به کار گیرند.

## ۲-۲. خاندان

یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاریخ اجتماعی یک منطقه، وجود اقوام، قبایل و خاندان‌ها است. خاندان‌های سفیانی، بنی‌امیه، بنی‌عباس با تفکر برتری بر عجم‌ها موجب درگیری‌ها میان قبایل عدنانی و قحطانی در دوران حاکمیت بنی‌امیه می‌شدند. با وجود حاکمان مستبد و دشمنی آشکار آنان با تشیع، وجود افرادی از خاندان‌های بزرگ شیعه عالم، فقیه و مجتهد به جهت برخورداری از تقوا، دانش و به سبب قربت داشتن با پیامبر ﷺ در تاریخ اجتماعی شام تأثیرگذار بودند. احترام به خاندان‌های سادات اهل علم، برگشت به سیره رسول اکرم ﷺ و معصومان علیهم‌السلام دارد که در برخورد با بنی‌هاشم و احترامی که برای آنان قائل بودند، توجه و گرایش مردم به آنان را بیان کرده است (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۹۹-۲۰۰). همین احترام به معصومان علیهم‌السلام سبب شد تا بنی‌هاشم از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان این منطقه دارا باشند. این جایگاه اجتماعی در سیر تاریخ اسلام و در سرزمین‌های اسلامی خودنمایی می‌کند، حتی از برخی روایات، عظمت جایگاه سادات به روشنی آشکار.<sup>۱</sup>

از جمله خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ اجتماعی شیعیان، خاندان حمدانیان است که توانست افزون بر حضور در ساختار سیاسی در منطقه حلب، با افزایش جمعیت شیعیان بر بافت فرهنگی آن منطقه تأثیر گذارد (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۵). خاندان ابی‌جراده که از قبیله بنی‌عقیل بود از وجاهت سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی برخوردار بودند و با حاکمان غیر شیعه در عصر خود در شام مرادده داشتند (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش، مقاله ابن‌ابی‌جراده، ج ۱، ص ۵۴۴-۵۴۷).

خاندان بنی‌زهره از سادات و عالمان فقیه که سرآمد روزگار خود بوده‌اند و در شام از جمله حلب از پایگاه اجتماعی دینی برخوردار بودند. همچنین وجود خاندان ابی‌شعبه (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۵) در شهر حلب سبب شد تا مردم مذهب امامیه را به راحتی بپذیرا باشند (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۷). خاندان بنی‌مرداس (ابن عدیم، زبدة الحلب، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱) نیز نقش مؤثری در گسترش تشیع داشته‌اند (ادامه مقاله در مهاجرت). ارتباط اجتماعی این خاندان با حاکمیت و حتی مردم سبب شد تا شیعیان از پشتوانه‌ای قوی برخوردار باشند، زیرا وجود عالمان

۱. برای نمونه تقدم سادات در امام جماعت شدن (حلی «علامه»، ۱۴۱۱ق، ص ۵۳) و سؤال از جواز ازدواج زن هاشمی با غیرهاشمی (همان، ص ۱۳۸) دال بر جایگاه اجتماعی سادات در جامعه اسلامی دارد. در موردی دیگر، از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد، چرا زنان بنی‌هاشم و سادات به هنگام سوار شدن بر مرکب دست خود را بر سر بردگان می‌گذارند و این عمل خطاست. امام با تمسک به آیات قرآن این عمل را جایز دانست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۱). نکته قابل توجه در این روایت، حساسیت و انتظار مردم مدینه نسبت به اعمالی که از زنان بنی‌هاشم صورت می‌گرفت، است.

برجسته کمک بزرگی به شیعیان در روابط اجتماعی با دیگران به حساب می‌آید. ابویعلی محمد بن حسن جعفری (م ۴۶۳) از شاگردان و داماد شیخ مفید بود که از عراق به حلب آمد (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۰۴؛ ابن عدیم، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۶۵۸) و در استحکام بخشی حوزه‌های علمیه و روابط اجتماعی با مردم آن سامان نقش اساسی ایفا کرد. حلب به‌عنوان پایگاه و حاکمیت تشیع مورد توجه بسیاری از عالمان اهل سنت از جمله ابوبکر خوارزمی شد تا از خوارزم به حلب آمد و به دربار سیف‌الدوله حمدانی رفت (ناصری طاهری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷).

جبل عامل بعد از زمان رحلت شیخ مفید (م ۴۱۳ق) مرکز استمرار و گسترش تشیع شد (مهاجر، ۱۳۹۳ش، ص ۸۶). این شهر در هر عصری بزرگانی از عالمان، محدثان، فقیهان، ادیبان و شاعران را در خود داشت (جابر، علی داود، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱). بزرگانی مانند ابوعمود اسدی حلی (م ۶۷۶ق) فقیه و ادیب بزرگ شیعه بود که از حلب به جبل عامل آمد و در همان‌جا درگذشت (مهاجر، ۱۳۹۳ش، ص ۹۰) و ورود سادات حسینی در قرن چهارم به بعد به جبل عامل و مناطق دیگر سبب استحکام تشیع در این شهرها شد. وجود مزارات و زیارتگاه‌ها در شهرهای شام (در ادامه مقاله) نشان از علاقه‌مندی مردم به سادات است که برای آنان بارگاه‌هایی ساختند که مورد توجه همه قرار گرفته است.

## ۲-۳. مذهب

مذهب یکی از عوامل مهم تشکیل جوامع بوده و مؤمنان همواره تلاش کرده‌اند در کنار هم‌کیشان خود سکنی گزینند. شیعیان نیز به دلایل گوناگونی همواره در برخی مناطق شام حضور بیشتری داشتند که در نتیجه تأثیرگذاری بیشتری بر تاریخ اجتماعی آن منطقه می‌گذاشتند. همواره حاکمان جور شیعیان را در تنگناهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دادند. اختلافات مذهبی نیز سبب می‌شد تا شیعیان با توجه به مذهبشان در تشکیل جوامعی شیعی و نزدیک به هم کوشا باشند. آنان که در بیشتر زمان‌ها با عنوان روافض شناخته می‌شدند، همیشه مورد ظلم و جور مخالفان خود بودند (ابن عدیم، بی تا، ج ۳، ص ۱۵-۱۷) و با زندگی در کنار یکدیگر تلاش در حفظ خود از ستم‌های احتمالی مخالفان داشتند. به‌عنوان نمونه شهر دمشق یکی از مناطق شام بود که جمعیت قابل توجهی از شیعیان را در خود گرد آورده و مأمونی برای آنان بود (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳۶، ص ۱۲۴؛ ابن جبیر، ۱۱۱۹م، ص ۲۲۳). بنا بر گزارش ابن جبیر در سال ۵۸۰ق به علت تجمع شیعیان در این منطقه جمعیت آنان بر اهل سنت غلبه داشت (ابن جبیر، ۱۱۱۹م، ص ۲۵۲). در دمشق نیز به‌ویژه در دوره حمدانیان که شاعران امامی حضور داشتند، تشیع نفوذ چشمگیری داشت (ابن شداد، ۱۳۸۲ق، ص ۱۵). همچنین اجتماع شیعیان در حلب به سبب



حضور خاندان بزرگی چون ابی‌شعبه، آنجا را برای شیعیان تبدیل به مکانی امن برای سکونت تبدیل کرده بود (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۵؛ ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۷). ساکنان امان (مرکز اردن امروزی) بیشتر شیعه بودند (قزوینی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۴). ناصر خسرو مذهب همگی مردم طرابلس (لبنان) را شیعه خوانده و گوید که آنان در هر شهری مساجد زیبایی بنا کردند (ناصرخسرو، ۱۳۳۷، ص ۱۱).

اجتماع شیعیان گاهی آن‌چنان مستحکم و تأثیرگذار بود که صلاح‌الدین ایوبی فاتح بلاد شام، با وجود محاصره شهر حلب نتوانست وارد آن شود و در نهایت با مصالحه بزرگان و عالمان شیعه و پذیرش شروط شیعیان مانند گفتن «حی علی خیرالعمل» در مأذنه‌های مساجد، به شهر وارد شد (ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۳). البته وی پس از ورود به شام و مصر برخلاف وعده‌هایش با شیعیان به شقاوت و قساوت برخورد کرد (ابن‌حجر، ج ۱، ص ۲۰۱). هرچند این سختگیری‌ها منجر به از بین رفتن جوامع شیعی در آن دوران نگشت.

## ۲-۴. مهاجرت

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تاریخ اجتماعی شیعیان در شام، هجرت صحابه و بزرگان دینی از منطقه‌ای به منطقه دیگر یا از شهری به شهر دیگر است. این هجرت به عوامل مختلفی مانند: ظلم و ستم حاکمان وقت؛ حفظ موقعیت اجتماعی فرد مثل: تجارت؛ عوامل طبیعی -مانند: سیل، زلزله- و غیرطبیعی -مانند: جنگ، آتش‌سوزی، درگیری‌های ناگوار- بستگی دارد این مهاجرت‌ها هم بر ساکنان و هم بر مهاجران تأثیرگذاری و تأثیرپذیری داشته است. گاهی وجود دولت شیعه در منطقه سبب هجرت گروهی از دانشمندان دینی و مردم از مناطق دیگر به آن ناحیه شده است؛ زیرا دولت را پشتیبان خود می‌دیدند. حضور برخی از صحابه در فتوحات در شام، و تبعید برخی از آنان از جمله مالک اشتر، صعصعه بن صوحان و کمیل (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۲۳) و ابوذر نقش مهمی در انتقال مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در این نواحی داشته‌اند، حتی برخی از آنان پس از مدتی اقامت در شام به حمص منتقل شدند و برای آنان از طرف حاکمان حقوقی تعیین شد (همو، ص ۳۶۷). فتح بعلبک و حمص سبب شد تا گروهی از پیروان علی علیه‌السلام از مدینه به این مناطق مهاجرت کنند که این گروه کوچک را نصیریه نامیده‌اند (سبحانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۹-۳۵۰)؛ زیرا برای یاری حضرت آمده بودند (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۴۹۷) گوید که در قرن سوم هجری و زمان حیات امام حسن عسکری علیه‌السلام نصیریه شکل گرفت و محمد بن نصیر بصری (م ۲۷۰ق) خود را باب آن حضرت می‌دانست. وی پس از شهادت آن حضرت، مدعی وکالت و نیابت از امام زمان علیه‌السلام شد.

در عین حال باید گفت وجود چهره‌های برجسته‌ای از صحابه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مناطق شام و شهادت برخی از آنان مانند حجر بن عدی (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۰۳ و ۲۰۴) پایگاه عظیمی برای فرهنگ تشیع بود. هجرت حضرت زینب علیها السلام به این ناحیه، و رحلت ایشان در شام، آنجا را محلی برای زیارتگاه محبان اهل بیت علیهم السلام تبدیل کرد که مانند خورشید در منطقه می‌درخشد. برخی افراد برای تجارت به حلب آمد و رفت داشتند و در آنجا ساکن می‌شدند. از جمله آنان عبیدالله بن ابی شعبه حلبی که راوی، محدث و فقیه شیعی در قرن دوم و از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. کتاب الجامع از تألیفات اوست که امام صادق علیه السلام این کتاب را ستود (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۱). سیف‌الدوله شیعیان حران را تشویق به سکونت در حلب می‌کرد (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰؛ سامر، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸). یکی از علویان به نام ابوالبراهیم محمد ممدوح علوی (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲۸) در حلب ساکن و سکونت او در این شهر، سبب افزایش جمعیت شیعیان شد (حلبی، ۱۳۴۵ق، ص ۱۵۵). خاندان تنوخیان از قبیله قضاعه به خاطر اختلاف با قبایل دیگر از حجاز به سرزمین مصر و شام هجرت کردند (یعقوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶) و در حلب ساکن شدند (ابن عدیم، الانصاف، ۱۹۶۵م، ص ۴۸۹). بسیاری از خاندان بنی جراده در قرن چهارم هجری مانند موسی بن عیسی بن ابی جراده از بصره به حلب هجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. خاندان بنی مرداس نیز در قرن چهارم هجری به منطقه‌ای در نزدیک شام آمدند و کم‌کم در این منطقه نفوذ پیدا کردند، (ابن عدیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱) به طوری که حسین بن احمد بن محمد قطان بغدادی (م ۴۲۰ق) فقیه امامی به حلب هجرت کرد. وی سپس در سال ۳۹۰ق به طرابلس رفت و در آنجا کتاب الشامل که مباحث فقهی است را برای مردم آنجا تألیف کرد (ابن حجر، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۶۷). ابوالحسن علی بن محمد بن عمار (م ۴۹۲ق) از امیرانی بود که بر طرابلس تسلط یافت و در زمان خود توانست از طرابلس در مقابل فاطمیان و سلجوقیان دفاع کند و استقلالش را حفظ کند (ابن عدیم، زبدة الحلب، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۳) مجبور شد به جبله - از شهرهای شام - برود. چنان‌که شیخ مفید و برخی از شاگردان وی به شام مهاجرت کردند و به تبلیغ تشیع پرداختند (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۵). همچنین ابن بَرّاج طرابلسی (م ۴۸۱ق) شاگرد و نماینده شیخ طوسی به سرزمین شام مهاجرت کرد، (ابن بَرّاج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰) حتی بعد رحلت شیخ طوسی، مردم طرابلس و صیدا از سیدمرتضی سؤالات و درخواست‌هایی داشته‌اند که وی برای آنان رسائل الصیداویه و رسائل طرابلسیه را نوشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۶۲). ابن شهر آشوب از بزرگان شیعه در ایران، به حلب هجرت کرد، (همان، ص ۳۵) و در همان‌جا درگذشت و به خاک سپرده شد.

اما وجود دولت‌های مخالف شیعه مانند زنگیان در این نواحی و شهر حلب سبب شد تا

بسیاری از بزرگان شیعه از این ناحیه کوچ کنند. نورالدین زنگی (حک: ۵۴۱-۵۶۹) پس از اینکه وارد حلب شد، در سال ۵۴۳ق بر شیعیان سخت گرفت (ابن عدیم، زبدة الحلب، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶) و به ناچار بزرگانی همچون پدر ابن ابی طی از این شهر کوچ کردند (ابوشامه، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ابن قلانسی، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۴۶۸).

این موارد و مانند آن نقش هجرت عالمان شیعه را در منطقه و حتی خارج از آن حوزه نشان می‌دهد که چه جایگاه و مرتبه‌ای نزد مردم داشتند.

خلاصه آنکه، ساختار سیاسی، خاندان و قبیله، مذهب و مهاجرت را می‌توان چهار عاملی اصلی و مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان نامید.

### ۳. مؤلفه‌های تشکیل دهنده تاریخ اجتماعی شیعیان شام

#### ۳-۱. آیین‌ها و مراسم‌ها

##### ۳-۱-۱. برگزاری مجالس شادی

یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان در شام برگزاری مراسم‌های جشن و سرور به مناسبت اعیاد مذهبی است. در گزارشی است که به مناسبت نیمه شعبان، جشن باشکوهی از سوی شیعیان در مسجد جامع دمشق برگزار شد، و شیعیان در شب میلاد آن حضرت دوازده هزار قندیل روشن کردند (دمشقی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۴). در زمان فاطمیان شیعیان نیمه شعبان، و سالروز ولادت حسنین (علیهم‌السلام) (شبارو، ۱۹۹۴م، ص ۱۲۶) و غدیر (مسبحی، ۱۹۷۸، ص ۸۴) را جشن می‌گرفتند. شیعیان مراسم نیمه شعبان را در مشهد الحسین جشن می‌گرفتند و در این مکان جمع می‌شدند و قرآن در میان نماز مغرب و عشاء تلاوت می‌کردند (کردعلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۸۶). مقدسی گوید که در محل مسجد جبل صدیقا - میان صور و بیت المقدس مراسمی است در روز جمعه نیمه شعبان، که شیعیان در آن جمع می‌شدند و نماینده سلطان نیز در آنجا حضور داشت (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۶۷). نصر بن محمود مرداسی از امیران حلب جشن باشکوهی در عید فطر در سال ۴۶۸ق برگزار کرد و مردم آنجا به مناسبت این روز شاد بودند و لباس‌های فاخر بر تن می‌کردند. ابن جیوس از شاعران به همین مناسبت در آنجا قصیده‌ای نیکو سرود (همو، ص ۱۹۱). ذهبی در رویدادهای سال ۳۵۷ق بر برگزاری مراسم عید غدیر شیعیان تأکید دارد و گوید که «شیعیان روز عید غدیر را جشن می‌گرفتند و اظهار شادی می‌کردند» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۶، ص ۳۹ و ۲۵۵).

## ۳-۱-۲. برگزاری مجالس عزاء

شاخص اصلی در شناخت شیعیان در عزاداری‌ها و برگزاری مجالس سوگواری درباره اهل بیت علیهم‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام است که تاریخ اجتماعی شیعه را در آن منطقه بیان می‌کند. شکل‌گیری دولت‌های شیعه و وجود عالمان آن در زنده نگه داشتن عزاداری امام حسین علیه‌السلام نقش اساسی در هویت جامعه شیعی در شام داشته است. مولوی از شاعران قرن ششم در روز عاشورا وارد حلب شد و شهر را در ماتم و عزادید و شعری سرود.

روز عاشورا همه اهل حلب باب انطاکیه اندر تا به شب

نالاه و نوحه کنند اندر بکبا شیعه عاشورا برای کربلا

(مولوی، بی‌تا، ش ۷۷۷-۷۷۸)

مراسم عزاداری در برخی از مناطق اسلامی مانند بغداد و شام برگزار می‌شد به طوری که در زمان حاکمیت آل بویه شیعیان روز عاشورا سیاه‌پوش می‌شدند و به عزاداری می‌پرداختند، حتی آب نمی‌نوشتند، تا به سبب تشنه شدن به یاد امام حسین علیه‌السلام بیفتند. در این عزاداری زنان نیز شرکت داشته و با گریه و شیون بر سر و صورت خود می‌زدند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۹۲). مقریزی (۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۳۷) نیز روز عاشورا را نشانگر آداب و رسوم شیعیان دانسته است. در مسجد جامع دمشق شیعیان در روز عاشورا به سوگ امام حسین علیه‌السلام می‌نشستند (قاضی نعمان، ۱۹۹۶م، ص ۳۹۷؛ ابن تغری، ۱۳۵۱، ج ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴). ذهبی در رویدادهای سال ۳۵۷ هجری آورده است که «شیعیان در این سال [روز عاشورا] سوگواری کردند» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۶، ص ۳۹ و ۲۵۵). حتی برخی، مجالس عزاداری حسینی در شام را گزارش کرده و حضور بسیاری از اهل سنت را در آن مجالس یادآور شده‌اند، به طوری که سخنرانان با استناد به منابع معتبر تاریخی و صحیح، زشتکاری‌های معاویه، یزید و بنی‌امیه را بیان می‌کردند (مظفر، ۱۳۶۸ش، ص ۲۲۲).

## ۳-۱-۳. آداب تشییع و تدفین و موارد دیگر

از جمله مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی شیعیان شام تمایز آنان در خواندن نماز میت، کفن کردن و و حتی نوع تدفین آنان بود. به‌عنوان نمونه ملک صالح فرزند صلاح‌الدین ایوبی وقتی جانشین پدر شد تلاش کرد تا شیعیان، حلب را تسلیم نماید؛ اما شیعیان شروطی را مطرح کردند و ملک صالح آن را پذیرفت. یکی از شرط‌ها این بود که به هنگام تشییع جنازه مردگان خود، بتوانند نام دوازده امام را ببرند و نیز در نماز میت، پنج تکبیر بگویند (غزی حلبی، ۱۳۴۵ق، ج ۳، ص ۸۸؛ ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، غنیه النزوع، ص ۳).

متنبی در قصیده‌ای نحوه کفن کردن اموات شیعیان و با کافور سرمه بر چشم مردگان خود می‌کشیدند را اشاره کرده است (هاشم عثمان، ۱۳۸۲، ص ۴۵) در طبریه شیعیان تا سه روز پس از مرگ متوفی بر سر قبر او می‌رفتند و برایش قرآن ختم می‌کردند و قبرها را با سنگ درست می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۶۰).

در عصر فاطمی در شام، یکی از آداب و رسوم شیعیان، این بود که لباس‌هایی که با نخ طلا تزیین شده است را به طبقات پایین‌تر هدیه می‌دادند که این لباس‌ها میان مردم به «طراز» مشهور بود (هاشم عثمان، ۱۳۸۲، ص ۷). ابن منیر طرابلسی در حال احتضار وصیت کرد روی سنگ مزارش اشعاری که حاکی از محبت به اهل بیت علیهم‌السلام بود را حجاری کنند (همان، ص ۹۵). در عصر ملک صالح ایوبی شیعیان برای مصالحه با او گفتند که باید عقد ازدواج‌های ما را ابوالمکارم حمزة بن زهره حلبی فقیه مشهور بخواند (ابوشامه مقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۲) و وی آن شرط را پذیرفت.

### ۳-۲. توجه به اماکن مقدسه

یکی از عوامل تأثیرگذار در تاریخ اجتماعی شیعیان وجود اماکن مقدسه است؛ زیرا وجود این اماکن در شام سبب اجتماع و وحدت میان مسلمانان به خصوص شیعیان شده است و ادامه دارد. این اماکن بهترین مکان برای عبادت و دعا است که روزانه مورد توجه مردم قرار دارد، حتی مردم برای این اماکن مقدسه، اموالی را وقف می‌کردند تا صرف آنجا گردد. به‌عنوان نمونه در بیشتر این اماکن و مزارها صندوق صدقه وجود داشت و اموالی که در این صندوق‌ها جمع می‌شد، صرف مخارج این اماکن می‌شد. یا آنکه آن را صرف پذیرایی از مردمی که برای زیارت یا عبادت می‌آمدند، می‌کردند (ابن عدیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۴). نکته اساسی و مهم درباره شیعیان این است که آنان توجه ویژه‌ای به بارگاه امامان معصوم علیهم‌السلام و وابستگان آنان داشته‌اند؛ زیرا آن بارگاه نزد آنان از تقدس خاصی برخوردار بود به طوری که برای آنجا اموال بسیاری را وقف یا نذر می‌کردند تا آن اماکن زیبا باشد و زائران آن مورد پذیرایی قرار گیرند. افزون بر زیارت، وقف اموال و پرداخت مال، وصیت می‌کردند که در جوار این بزرگان یا آن اماکن مقدس دفن شوند. در حلب مکان مقدسی به نام مشهد محسن یا مشهد دگه بود که گفته‌اند که به هنگام توقف کاروان اسرای اهل بیت علیهم‌السلام در کوه جوشن، محسن فرزند امام حسین علیه‌السلام در اینجا دفن شده است (حموی، ۱۹۵۵م، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱). اگرچه منابع تاریخی از او ذکری نکرده‌اند؛ اما احتمال دارد که مادرش او را سقط کرده و نامش را محسن نامیده است (قائدان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹). این زیارتگاه از سوی سیف‌الدوله حمدانی بنا شد و

بارها بازسازی شده است (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۲۳۰). شیعیان در این مکان مقدس افزون بر عبادت و عزاداری، نذورات خود را در نیز ادا می‌کردند (ابن عدیم، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۵۵). این مکان مقدس به جهت قداستی که داشت، بسیاری از بزرگان شیعه مانند ابن شهر آشوب، ابن منیر طرابلسی، ابومکارم و ابن زهره در اینجا دفن شدند (ابن عدیم، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۰۶). حتی وقتی احمد بن یوسف معروف به ملک محسن از حاکمان ایوبی در حلب در سال ۶۳۴ ق درگذشت، وصیت کرد که قاضی حلب زین الدین ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن بر جنازه او نماز بخواند و او را به رقه ببرند و در کنار قبر عمار بن یاسر دفن کنند (ابن عدیم، بی تا، ص ۶۶).

### ۳-۳. نوع موقوفات و نذورات

وقف و نذورات از امور عام المنفعه اجتماعی هستند که مسلمانان به خصوص شیعیان توجه بیشتری به آنها دارند، حتی با نوشتن وصیت‌نامه تأکید بر انجام امور آن داشته‌اند و دارند. در حقیقت مسلمان به‌ویژه شیعیان اظهار علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام را به صورت‌های گوناگون در زندگی فردی خود جلوه‌گر ساخته‌اند که به یک نحوی تاریخ اجتماعی شیعیان را در شام نمایان ساخته است. وجود زیارتگاه‌ها سبب شد تا برای اداره آن مکان‌ها موقوفاتی مانند زمین، باغ، اشیای نفیس و مانند آن انجام شد و درآمد حاصل از آنها صرف مخارج آنها شد، (ابن جبیر، ۱۱۱۹، ص ۲۲۰) حتی بعضی از مدارس و کتابخانه‌ها به واسطه همین موقوفات اداره می‌شدند (خلیفه، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲۰). به‌عنوان نمونه در دمشق (شام) خانه‌هایی بود که از سوی شیعیان برای قاریان قرآن وقف شده بود (ابن جبیر، ۱۱۱۹، ص ۳۴۸). چندین مغازه برای مسجد جامع حلب وقف شده بود که درآمد حاصل از آن برای مسجد هزینه می‌شد (همو، ۳۴۸). هزینه‌های دارالعلم در زمان بنی‌عمار از طریق وقف‌هایی که برای آن شده بود تأمین می‌شد (تدمری، ۲۰۱۷ق، ص ۴۷-۵۰). امین الدوله ابوالحسن بن غزال (م ۶۴۸ق) طیب و وزیر ملک امجد از بزرگان شیعه در بعلبک مدرسه امینیّه را تأسیس کرد و برای آن وقفی را معین کرد (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۲، ص ۱۳۷) که درآمد حاصل از آن وقف، خرج مدرسه شد. حتی وی در طرابلس مشهور به وقف اموال بود و هیچ‌کس با او در این مورد برابری نمی‌کرد (ابن شداد، ۱۳۸۲ق، ص ۸۰). گاهی برخی از بزرگان شیعه کتاب‌هایی را خریداری و آن را وقف کرده تا بر نشر علم و ادبیات کمک کنند و آن را در اختیار طالبان دانش قرار می‌دادند. به‌عنوان نمونه امین الدوله پس از تأسیس دارالعلم در طرابلس، بیش از یکصد هزار کتاب را جمع‌آوری کرد و آنها را وقف کرد (ابن فرات، ۱۹۳۹، ج ۸، ص ۷۷). احمد بن فرات (م ۴۹۴ق) همچنین علی بن طاهر (م ۵۰۰ق) از دانشمندان شیعه بود و برای مردم در مسجد جامع اموی، کتابخانه‌ای تأسیس کرد و کتاب‌هایی را وقف آنجا نمود (قفطی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

### ۳-۴. نمادهای شیعی

نمادها نشانه‌هایی از خصوصیات یک ملت یا یک مذهب در تاریخ اجتماعی مردم است که به نوعی انتقال مفاهیم و حامل پیام‌ها به دیگران است (آبرکرامی، ۱۳۶۷، ص ۳۸۵) این نمادها گاه به صورت پرچم، لباس خاص، طبل زدن در مراسم و اعیاد و مانند آن است و گاه به صورت کتیبه‌ها، سکه‌ها، کتاب‌ها و ضرب‌المثل‌هاست. بیشتر ترویج نمادهای شیعه توسط حاکمان شیعه یا شیعیان انجام می‌شد و این نمادها بر زندگی اجتماعی شیعیان تأثیر داشت. به‌عنوان نمونه در جنگ احد دشمن شعار «اعلی هبل» سر داد و مسلمانان در مقابل شعار «الله اعلی و اجل» گفتند. یا مختار در مقابله با دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام شعار «یا للثارات الحسین علیه‌السلام» را سر داد. بنی‌عباس در مقابله با امویان شعار «الرضا من آل محمد» را پیشه کار خود قرار دادند. شیعیان در برخی از مناطق در اذان شهادت به امیرالمومنین علی علیه‌السلام را ذکر می‌کردند یا «بسم الله» را در نماز آشکارا می‌گفتند. شعار شیعیان در مساجد حلب ذکر «حی علی خیر العمل» بود (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۲۲۹)؛ اما در زمان حاکمیت نورالدین زنگی، از گفتن شعار «حی علی خیر العمل» منع شدند (ابن‌قلانسی، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۴۶۸). در حلب سیف‌الدوله دستور داد تا برای اولین بار جمله «محمد و علی خیر البشر» در وسط اذان گفته شود و به صورت یک سنت درآمد (ابن‌عدیم، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶).

گاه نمادها به صورت اشعار بیانگر عقاید شیعیان بود، مانند اشعاری که ابوالفراس در مدح اهل بیت علیهم‌السلام سروده بود (حمدانی، ۱۹۹۹م، ص ۲۰۴-۲۰۵). گاه پوشیدن لباس سیاه یکی دیگر از نمادهایی است که شیعیان به هنگام سوگواری برای اهل بیت علیهم‌السلام به خصوص امام حسین علیه‌السلام می‌پوشند. ابن‌کثیر (ق ۷۷۴) گزارش کرده است که در شهرهایی از عراق و شام شیعیان در روز عاشورا لباس‌های سیاه برای عزاداری می‌پوشند، حتی به خاطر تشنگی اهل بیت علیهم‌السلام در این روز آب نمی‌نوشیدند. زنان در این روز بر سر و صورت خود می‌زنند و با این کار ابراز همدردی با اسیران اهل بیت علیهم‌السلام داشتند (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۹۲).

یکی دیگر از نمادهای شیعیان این است که شیعیان در نمازهای خود، حتی جماعت دست باز نماز می‌خواندند. از این روی مردم شام دیدند که شیعیان دست بسته نماز نمی‌خوانند (قاضی نعمان، ۱۹۹۶م، ص ۳۹۷؛ ابن‌تغری، ۱۳۵۱ق، ج ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴).

وجود بارگاه‌ها نیز در شام مانند بارگاه حضرت زینب علیها‌السلام و رقیه علیها‌السلام یا وجود مقام‌هایی که در قبرستان باب صغیر دمشق وجود دارد همه آنها نمادهایی هستند که نشان از عظمت و شخصیت آن افراد دارد که توجه هر بیننده‌ای را در شهر جلب می‌کند. در شهرهای دیگر شام نیز چنین بارگاه‌هایی وجود دارد (ابن‌جبیر، ۱۱۱۹، ص ۲۰۵).

از این روی نمادها چه زبانی و چه غیرزبانی نقش تأثیرگذاری در ذهن و روان مردم داشته و دارد. در حقیقت این نمادها سبب جاودانگی مذهب شیعه شده است و همیشه دشمنان شیعه در تلاش هستند تا آنها را از زندگی شیعیان حذف کنند.

#### ۴. نتیجه

تاریخ اجتماعی شیعیان روشنگر بخشی از تاریخ آنان است که کمتر از سوی محققان به آن توجه شده است. آغاز تاریخ اجتماعی شام با آمدن صحابیان پیرو امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندانش به آن سرزمین و مهاجرت عالمان شیعه به آن منطقه شروع شد. عواملی چون تغییر ساختار سیاسی و نهادهای قدرت در منطقه شام و حضور خاندانها و قبیله‌های شیعی که بر بافت جمعیتی مسلمانان تأثیرگذارند که تاریخ اجتماعی شیعیان شام را شکل داده است. استقرار حاکمانی چون آل‌حمدان، بنی‌عمار، بنی‌مرداس و حمایت عالمان امامی از آنان و توسعه آزادی بیان و ابراز عقیده در چنین فضایی سهم مهمی در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی شیعیان شام داشت.

آیین‌ها و مراسم‌های شیعیان شام که تمایز آن در برگزاری مجالس شادی و عزا و آداب تشییع و تدفین نمود بیشتری داشت از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی شیعیان می‌باشد. توجه به قبور ائمه اطهار علیهم السلام و اولیای الهی و نوع موقوفات و نذورات شیعیان شام سبب تمایز آنان از اجتماعات دیگران می‌شد. همچنین نام‌گذاری فرزندان و نمادهای زبانی و غیرزبانی آنان نیز از دیگر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی شیعیان شام است.



## منابع

۱. آبر کرامبی، نیکلاس، استفن هیل، براین. اس. ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش، ۱۳۶۷ش.
۲. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، بی تا.
۳. ابن بطوطه، رحله، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
۴. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهذب، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن تغری، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۵۱ق.
۶. ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، قاهره: دارالمعارف، ۱۱۱۹م.
۷. ابن حجر، لسان المیزان، تحقیق دائرة المعارف نظامیه هند، چ ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۸. ابن حجر، احمد، الدرر الكامنه فی أعیان المئته الثامنه، المحقق: مراقبه / محمد عبد المعید صان، حیدرآباد هند، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م.
۹. ابن خیاط، دیوان ابن خیاط، تحقیق خلیل مردم بک، دمشق: المجتمع العلمی العربی، ۱۹۵۷م.
۱۰. ابن زهره حلبی، غنیه النزوع، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق.
۱۱. ابن شداد، الاعلاق الخطیره، تحقیق سامی الدهان، دمشق: معهد الفرنسی للدراسات العربیه، ۱۳۸۲ق.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: مطبعة حیدریه، ۱۳۸۰ق.
۱۳. ابن عدیم، زبدة الحلب فی تاریخ حلب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، الانصاف و التحریر، قاهره: الدار القومیه للنشر، ۱۹۶۵م.
۱۵. \_\_\_\_\_، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۶. ابن فرات، تاریخ ابن فرات، بیروت: چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین، ۱۹۳۹م.
۱۷. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۸. ابن قلانسی، الذیل و المذیل علی تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکار، دمشق، ۲۰۰۷م.
۱۹. ابن منظور، لسان العرب، تحقیق علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۰۸ق.

٢٠. ابوشامه مقدسى، الروضتين فى اخبار الدولتين النورية و الصلاحية، بيروت: مكتبه الشامله، ١٩٩٨.
٢١. ابوشامه مقدسى، عيون الروضتين فى اخبار الدولتين، نوريه و الصلاحية، تصحيح احمد بيسوى، دمشق: وزارة الثقافيه، ١٩٩١م.
٢٢. ابو فراس حمدانى، ديوان شرح خليل دويهي، بيروت، ١٩٩٩/١٤٢٠م.
٢٣. ادريسي، ابو عبدالله محمد، نزهه المشتاق، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٩ق.
٢٤. امين، محسن، اعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٦ق.
٢٥. انطاكي يحيى بن سعيد، تاريخ انطاكي (معروف به صله تاريخ اوتياخا)، تحقيق عمر تدمري، طرابلس: بي نا، ١٩٩٠م.
٢٦. الويري، محسن، تاريخ اجتماعى شيعيان مفاهيم و كليات، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٨ش.
٢٧. تدمري، حياه الثقافيه فى طرابلس الشام فى خلال العصور الوسطى، بيروت: دارالفلسطين، ٢٠١٧ق.
٢٨. جعفرىان، رسول، اطلس شيعه، تهران: انتشارات سازمان، ج ١، ١٣٨٧ش.
٢٩. حلبى، كامل بن حسين مصطفى، نهر الذهب فى تاريخ الحلب، حلب: بي نا، ١٣٤٥ق.
٣٠. حلى (علامه)، تبصره المعلمين فى احكام الدين، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.
٣١. حموى، معجم البلدان، بيروت: دارصادر، ١٩٥٥م.
٣٢. جابر، على داود، الحلقة الضائغه من تاريخ جبل عامل من الفتح الاسلامى حتى السيطره العثمانية، بيروت: دارالهادى، ١٤٢٦ق.
٣٣. جولوس، گولد و ويليام كولب، فرهنگ علوم اجتماعى، ترجمه باقر پرهام و محمد زاهدى، تهران: مازيار، ج ٣، ١٣٩٢.
٣٤. خليفه، عبدالعزيز، كتب و المكتبات فى عصور الوسطى، ج ٢، قاهره: الدار المصريه، ١٤٢١ق.
٣٥. دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ج ١، مقاله ابن ابى جراده بنخش معارف، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ١٣٦٧ش.
٣٦. دمشقى، محمد بن ابى طالب، نخبه الدهر فى عجائب البر و البحر، تهران: اساطير، ١٣٨٢ش.
٣٧. ذهبى، تاريخ الاسلام، بيروت: دارالكتب العربى، ١٤١٣ق.

۳۸. راوندی مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، ۱۳۷۱ ش.
۳۹. رودآوری محمد بن حسین، ذیل تاریخ تجارب الامم، مصر: تصحیح آمدروز، ۱۳۳۴ ق.
۴۰. زکار، سهیل، اماره حلب، دمشق: دارالکتب العربی، [بی تا].
۴۱. سامر، فصیل، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی و قراگزلو، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ ۱، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی [بی تا].
۴۳. شبارو، عصام، سلاطین فی مشرق العربی، بیروت: دارالنهضة العربی، ۱۹۹۴ م.
۴۴. طبری، تاریخ طبری، تحقیق: نخبة من العلماء الأجلاء، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ: الرابعة، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م.
۴۵. قائدان، اصغر، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، انتشارات مشعر، ۱۳۸۳ ش.
۴۶. قاضی عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوه، تحقیق عبدالکریم عثمان، قاهره: دارالمصطفی، [بی تا].
۴۷. قاضی نعمان، المجالس و المسایرات، تحقیق ح. الفتی، بیروت: دارالمنتظر، ۱۹۹۶ م.
۴۸. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میرزا جهانگیرخان قزوینی، تهران: امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۷۳ ش.
۴۹. قفطی، علی بن یوسف، انباه الرواه النحاه، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۲۴ ق.
۵۰. کرد علی، محمد، خطط الشام، بیروت: مکتبه النوری، سوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. کلینی، الکافی، محقق و مصحح، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. کنراد، کریستوف، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، گردآوری و ترجمه ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، تهران: سمت، ۱۳۹۴ ش.
۵۳. گولد، جولیس و ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و محمد زاهدی، تهران: مازیار، چ ۳، ۱۳۹۲ ق.
۵۴. مسیحی، محمد، اخبار مصر، حقه ایمن فواد سید، قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه، ۱۹۷۸.
۵۵. مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، بی جا: نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸.
۵۶. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه منزوی، مؤلفان و مترجمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.

۵۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر خطط و آثار، مصحح سید، ایمن فؤاد، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۵۸. منتجب الدین رازی، علی بن عبید الله، فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم، بیروت: چاپ عبدالعزیز طباطبائی، ۱۴۰۶ق.
۵۹. مهاجر، موسی، جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی (جنبش علمی جبل عامل در دو سده) مترجم موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳ش.
۶۰. مولوی، مثنوی معنوی دفتر ششم، بخش ۲۳، [بی تا]، بی نا، بی تا.
۶۱. ناصر طاهری، عبدالله، جغرافیای اسلام، تهران: سروش، ۱۳۷۶ش.
۶۲. نجاشی، رجال النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۶۳. نصرالله، ابراهیم، حلب و تشیع، بیروت: مؤسسه الوفا، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۶۴. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ترجمه حسن حسین زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.
۶۵. هاشم، عثمان، تاریخ شیعه در شام، ترجمه حسن مدیر شانه چی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۶۶. واثقی، حسین، شیعه فی کتاب بغیة الطلب، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴ش.
۶۷. یآوری سرتختی، محمدجواد، تاریخ اجتماعی شیعیان، (مجموعه مقالات)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۷ش.